



۲۰۱۲/۱۲/۰۹

داکتر عبدالرحمن زمانی

## توطئه های انگلیس علیه حکومت امانی: کامیابی توطئه ها و ماستر پلان انگلیس

(قسمت ۳۸)

### پیش آمد انگلیس ها با علی احمد خان شاغاسی

علی احمد خان بتاريخ اول مارچ در پشاور با همفریز سفیر انگلیس ملاقات نمود. او گفت که بصورت عاجل به پول احتیاج دارد و نمیتواند باور کند که حکومت [نگلستان] آنقدر کوتاه نظر باشد که به وی در وقت ضرورت کمک مالی داده نتواند. او گفت که در طول زندگی اش دوست حکومت بریتانیا بوده و این فرصت هرگز باز نخواهد گشت. اگر وی به تخت بنشیند، اولین کارش انعقاد پیمان تعرضی و دفاعی با بریتانیای کبیر و ممانعت از تمام گرایشات بلشویکی خواهد بود. سفیر انگلیس به علی احمد خان از اعلامیه مجلس عوام و سیاست به اصطلاح بیطرفی انگلیس ها یادآور شده گفت که در شرایط فعلی دادن کمک به هر یکی از کاندیدان تخت و تاج، تخطی از این پالیسی بوده و بنابراین باید تمام خیالات گرفتن کمک مالی و رسیدن به قدرت را از سرش بیرون کند. علی احمد خان با اظهار ناامیدی تلخی گفت که میتوان پول را مخفیانه تأدیه نمود. وقتی سفیر باز هم جواب رد داد، علی احمد خان گفت که اگر انگلیس ها کمک نکنند، او مجبور خواهد شد به قندهار رفته از امان الله خان حمایت کند. علی احمد خان خواهش کرد برای چند روزی در پشاور بماند. سفیر انگلیس به وی اخطار داد که از تبلیغات سیاسی در بین قبایل خودداری نموده و اقامتش طولانی نباشد. (1)

محمد نادرخان و شاه ولی خان صبح ۶ مارچ بطرف تل و هاشم خان بطرف لالپوره حرکت کردند. همفریز هم در همان روز اطلاع داد که بعد از تکمیل کردن ترتیبات استخباراتی، اکثر مأمورینش را رخصت و خودش فردا به دهلی میرود.

کمشنر پشاور بتاريخ ۸ مارچ از آمرینش مکتوبی را بدست آورد که در آن نوشته شده بود: «حال که محمد نادرخان و برادرانش پشاور را ترک گفتند، معامله با علی احمد خان آسان است. علایم نشان میدهند که او میخواهد در کشمیر سکونت اختیار کند. حکومت هند خرسند میشود اگر شما ترتیبات کشیدن او را از سرحد فراهم کنید. به او باید گفته شود که موجودیت کاندید سلطنت و یک امیر سابق خلاف پالیسی غیرجانبداری انگلیس ها و بنابراین خجالت آور بوده او باید در ظرف مدت دو روز بطرف افغانستان حرکت کند. بهتر خواهد بود که معاون کمشنر مکتوب شما را با پیغام شفاهی تقویت نماید تا به او ثابت شود که ما جدی هستیم. (2)

علی احمد خان فردای آن تقاضا نمود با معاون کمشنر ملاقات کند. او به کمشنر گفت که به امان الله خان در قندهار نامه فرستاده و تا رسیدن جواب آن که یک هفته وقت را در برخواهد گرفت، به افغانستان رفته نمیتواند. او آماده است به منطقه دیگری مثل کراچی یا راولپندی برود. او همچنان برای خود و اقاربش اجازه خریداری ۴ میل تفنگچه را خواست. اما کمشنر عمومی به علی احمد خان اطلاع داد که حکومت هند به او اجازه بودوباش در هیچ منطقه هند را داده نمیتواند. اگر او به افغانستان برگشته نمیتواند، باید بدون معطلی از هند بمقصد کدام کشور دیگری برآید. (3)

علی احمد خان سرانجام به قندهار نزد غازی امان الله خان، که به نسبت اعلان پادشاهی بدفترجامش از او سخت رنجیده خاطر بود، رفته و از اعمال گذشته خود اظهار ندامت نموده و معذرت خواست.

### محمد نادرخان نامه ارسالی غازی امان الله خان را به کمشنر پشاور فرستاد

به تاریخ ۵ مارچ، کمشنر عمومی ایالت سرحدی شمال غربی از رسیدن نامه محمدنادرخان گزارش داده مینویسد که او توسط ایم ای حکیم آن نامه را هم فرستاده است که امان الله خان به وی نوشته و در آن بعد از ذکر حقایق اصلی اغتشاش، استعفايش، جلوس و استعفای عنایت الله خان، جلوس بچه سقاو و غیره گفته شده بود که وی دوباره در

د پانو شمیره: له 1 تر 4

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

پاڼه: دليکنې دليکنيزې بڼې پاڼوالې د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خير و لولئ

قندهار سلطنت را بدست گرفته است و در نظر دارد بزودی بطرف غزنی پیشروی کند. در اخیر نامه امان الله خان با لحن آمرانه به نادرخان هدایت داده بود که اگر ممکن باشد با برادرانش از طریق چمن ورنه از طریق ولایات جنوبی به قندهار برود. ایم ای حکیم، رابط محمد نادر خان، به کمشنر گفته است که محمد نادرخان قصد تمویل امر امان الله خان را نداشته و پلان های قبلی پابرجا میباشند. (4)

#### ملاقات محمد نادرخان با مکوناچی نماینده سیاسی کرم

محمد نادرخان و برادرش شاه ولی خان بعد از ظهر ششم مارچ ۱۹۲۹ به تل رسیده و توسط مکوناچی نماینده سیاسی انگلیس ها در ایجنسی کرم مورد استقبال قرار گرفت. مکوناچی، که سابق بحیث شارژدافیر سفارت انگلیس در کابل مأموریت داشت، در گزارش نیمه رسمی خود مینویسد که «آنها ساعت پنج بعد از ظهر به «علی زی» رسیدند. ما ترتیبات اقامت شانرا در «داگ بنگله» گرفته بودیم. آنها دعوت نور حسن را پذیرفته و ساعت شش بعد از ظهر، برای گذشتاندن شب، آنطرف دریا به قریه «انخری» رفتند. من صبح هفتم مارچ دریا را عبور کرده یکجا با کپتان هارتیکان به ملاقات سرداران رفتم. آنها آنطرف دریا منتظر من بودند و ما با هم به «ریست هاوس علی زی» برگشتیم، جائیکه ملاقات ما یکساعت ادامه داشت. آنها از من خواستند نامه شانرا به شاه محمود خان برسانم تا در «پار اچنار» آنها را ملاقات کند... شاه محمود خان ساعت ۱۰ شب از طریق «پیوار» رسیده و شب را با سردار نادر خان و سردار شاه ولی خان در «داگ خانه» سپری نمود. شاه محمود خان را احمد علی خان (برادرزاده اش)، غوند مشر محمد هاشم خان، عبدالله خان و الله نواز خان همراهی میکرد. بعد از آن مجلس خصوصی سه برادر دایر شد. مطابق به اطلاع موجوده درین مجلس شاه محمود خان مکتوبی را که از حبیب الله کلکانی آورده بود، به نادرخان داد. نادرخان با خواندن مکتوب از ته دل خندید. یک جمله را که او به آواز بلند خواند چنین بود:

«من این همه را برای شما انجام دادم. بسیار بعید به نظر میرسد که من توسط تمام مردم بحیث پادشاه انتخاب شوم. اگر شما به روابط دوستانه خود با من ادامه دهید و بمن کمک کنید، من به آمدن شما به کابل کدام اعتراضی نداشته و از من مزاحمتی نخواهید دید.»

یک سند بزرگی هم به نادرخان داده شد که مقصدش روشن نبود، و شاید بیعت نامه اقوام «آریوب» بوده باشد. نادرخان از شاه محمود خان راجع به طرز برخورد اقوام پرسید. شاه محمودخان در جواب گفت که همه شان طرفدار نادرخان میباشند، به استثنای غلجی های احمدزی، بعضی از لوگری ها و شیعه های خوشی. **سردار نادرخان گفت که هیچ آن کاری را نباید کرد که مردم فکر کنند آنها [برادران] با امان الله خان خصومت دارند، یا در صورت ناکامی شان رسوای مردم شوند.** سردار شاه محمود خان باید اعتماد مردم را حاصل کند و تا معلوم شدن تلاش های هاشم خان در ولایت مشرقی کدام کار دیگری را انجام ندهد. اگر آنها حمایت ولایات جنوبی و مشرقی را حاصل کنند، هر چهار برادر به کابل خواهند رفت.

ایم ای حکیم هم که راجع به او در تلگرام ۸ فیروزی بمن اطلاع داده بودید، ساعت ۲ صبح توسط موتر از پشاور رسید... سردار شاه محمود خان یک بسته کوچک خشت های طلا را به سردار نادرخان سپرد. ساعت ۸ و ۳۰ صبح هشتم مارچ سردار نادرخان و شاه ولی خان به عزم خوست به علی زی برگشته و سردار شاه محمود خان و همراهانش هم نیم ساعت بعد از آن از طریق پیوار عازم آریوب شدند. هر سه برادر بعد از ظهر همان روز به ترتیب بمقصد خوست و آریوب از سرحد گذشتند. (5)

مکوناچی بعداً در گزارش رسمی خود نوشت که «بتاریخ ۷ مارچ بعد از صحبت عمومی و ذکر خاطرات مناسبات قبلی ما در کابل، سردار نادرخان گفت که میخواهد پروگرامش را بمن بگوید و در رابطه نظر من را بحیث یک رفیق خواست. ختم آنی ناسازگاری های فعلی در کابل و ولایات جنوبی و مشرقی بسیار مهم بوده، و باشندگان این مناطق باید دوستانه و از راه حسن نیت گردهم آمده یک شخص میانجی (ثالث) را تعیین کنند تا اسباب نا آرامی موجوده را ارزیابی نموده، ترتیب امور آینده، بشمول جانشینی تخت و تاج، را بگیرد. خطر اصلی موجود امان الله خان بود که موقعیتش را در جنوب غرب و شمال استحکام میبخشد... او بعد از آن راجع به درک من از تمایل احتمالی ولایات جنوبی و مشرقی راجع به خودش پرسید. من گفتم از صحبت هائیکه من با قبایل نموده ام، درک کرده ام که این ولایات بصورت عمومی از رهبری او پیروی نموده و حتی او را بحیث امیر قبول میکنند، اما او را یک شخص مریض و خسته پنداشته فکر میکنند که کدام تمایلی به ادعای تاج و تخت ندارد.»

مکوناچی در راپور خود علاوه میکند که سردار نادر خان بصورت مشخص از من خواهش نمود که هیچ کدام از تبصره هایش باید به جراید راه نیابند، و من وعده دادم که مطبوعات از آن اطلاعی نخواهد یافت. او میگوید که

د پانوی شمیره: له 2 تر 4

افغان جرمن آنالین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پټه له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلپیکني د لیکنيزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولی

در جریان صحبت با معاون پولیتیکل ایجنت، شاه ولی خان بصورت مطلق از راپور روزنامه منکر شد که در آن سردار نادر خان در لاهور اعلام داشته بود که تصمیم گرفته است سلطنت را به امان الله خان بازگرداند.

مکوناجی از ملاقات یک هیئت فرستاده شده خلافتی های تل با شاه محمود خان نیز اطلاع داده مینویسد که شیرزمان و گلپاز در صبح هشتم مارچ از شاه محمود خان خواست تا به آنها اطمینان دهد که سردار نادرخان و برادرانش تمام نارضایتی های شخصی شان را کنار گذاشته متحدهانه برای اعاده سلطنت غازی امان الله خان بکوشند. سردار شاه محمود خان در جواب گفت که خانواده او خواهان تاج و تخت برای خود شان نمیباشند. (6)

### ناکامی های اولیه محمدنادر خان و پلان احتمالی مداخله مستقیم انگلیس ها

پلان های محمدنادرخان مطابق به تقسیم اوقات تعیین شده پیش نمیرفت. کمشنر انگلیس ها در پشاور به مرکز و همفریز در دهلی جدید و مأمورین انگلیسی در بلوچستان اطلاع داد که «راپور های رسیده از تمام منابع به تغیر ناگهانی اوضاع در ولایات جنوبی و شرقی و همچنان قبایل آزاد اشاره نموده، و احساسات مردم به نفع امان الله خان رو به ازدیاد است. نادرخان توسط اقوام مختلف خوست تحت فشار است تا طرفداری اش را آشکارا از امان الله خان اعلام دارد، در غیر آن آنها به او کمک نخواهند کرد. شبیه به آن رهبران بخش های «بیزی» و «خویزی» مهمند هم در «لالپوره» بصورت قاطع به هاشم خان گفته اند که آنها تنها بشرط اعاده سلطنت امان الله خان به وی کمک خواهند کرد.» (7)

همفریز بعد از ارزیابی اوضاع، راجع به پلان های آینده خود نوشت که جمع بندی وضعیت فعلی افغانستان یا پیشبینی انکشافات آینده مشکل است. نادرخان با سه برادرش در ولایات جنوبی و شرقی مصروف کسب حمایت و جمع آوری آرای قبایل است. بنظر میرسد که حبیب الله [کلکانی] میدان را میبازد و ممکن است پایتخت را، در صورت شرایطی که برای خود و پیروانش قابل قبول باشد، تسلیم کند. علی احمد بصورت قطعی از میدان مسابقه حذف شده است.

سفیر انگلیس با در نظر داشت مشکلات موجود، کندی در کار پیاده کردن پلان هایشان و احتمال دوام بیشتر اوضاع کنونی، کمک های بیشتر به نادر خان و حتی مداخله مستقیم انگلیس ها را پیشبینی نموده مینویسد که «اگر اقوام نتوانند به توافق برسند و جنگ شدید، بدون پیروزی چشمگیر یکی از جوانب، درگیرد، من احتمال آنرا میبینم که از ما خواسته شود برای اعاده نظم و نشانیدن بر تخت یک کاندیدی که بصورت عموم قابل قبول باشد، مداخله کنیم. حتی قبل از آنکه کابل را ترک بگویم، از من بصورت غیر رسمی خواهشاتی بعمل آمده بود تا در زمینه میانجیگری کنم.

او علاوه میکند که «حتی اگر نادرخان بتواند قبایل را آماده سازد تا بدون جنگ به اتفاق آرا از یک کاندید حمایت کنند، من فکر میکنم آن کاندید بدون ضمانت کمک انگلیس تاج و تخت را قبول نخواهد کرد.» (8)

یکی از علل مهم ناکامی های محمدنادرخان در سمت جنوبی مقاومت قوای حبیب الله کلکانی به رهبری محمد صدیق خان و محمد عمر خان مشهور به سور جرنیل هم بود. او حتی مجبور شد دوباره به انگلیس ها رجوع نموده و از آنها اجازه کمک قبایل آنسوی خط دیورند را بخواهد. ایجنت سیاسی از پاراچنار بتاريخ سوم سپتمبر ۱۹۲۹ اطلاع داد که حاجی محمد اکبر با مکتوبی از محمد نادر خان نزد او آمد. نادر خان درین مکتوب به اکبر خان صلاحیت داده بود تا نظریات او (نادرخان) را به حکومت هند بریتانوی انتقال داده و منتظر دستور بماند. نادر خان گفته بود که نه دادن کمک در وقت مشکلات فراموش شده میتواند، و نه خلق کردن مشکلات. از جمله چهار نکته که نادر خان مطرح کرده بود، نکته سوم آن راجع به پول بود: «پول ضرورت اولیه تنظیم لشکر در افغانستان میباشد.» در نکته چهارم نادر خان از مقامات انگلیسی خواسته بود تا به اقوام وزیر و مسعود، که تصمیم گرفته بودند به او کمک کنند، اجازه این کار داده شود.» (9)

عبدالحکیم خان، وکیل التجار افغان در پشاور هم، که اصلیت محمدنادرخان و روابطش با انگلیس ها را درک نموده بود، طی اعلامیه او را نماینده انگلیس شمرده و مردم را از همکاری با او منع کرد.

اما برعکس محمد نادرخان برای فریب دادن افغانها علت ناکامی هایش در سمت جنوبی را بدگمانی و عدم همکاری اهالی سمت جنوبی و انمود میکند که گویا با وجود اصرار آنها پادشاهی را برای خودش قبول نکرد، و آنها گمان بردند که او و برادرانش بطرفداری از امان الله خان فعالیت میکنند. او در بیانیه افتتاحیه مجلسی که آنرا اولین مجلس عالی (شورای ملی) افغانستان نامید، گفت: «وقتی که من در خاک افغانستان قدم گذاشتم، خودم و شاه ولیخان و شاه محمود خان را در سمت جنوبی و محمد هاشم خان و محمد گلخان را در سمت شرقی تعیین نمودم. درین موقع در سمت جنوبی

د پانوی شمیره: له 3 تر 4

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکي په خیر و لولی

آثار سقویان ظاهر نبود و هیچکس حکومت سقوی را وقع و اعتبار نمیداد، اما همینکه امان الله خان در حدود قلات و مقر با عساکر قندهار نمودار شد و دوباره عزم استیلای کابل را باطراف و اکناف مشتهر گردانید، اهالی سمت جنوبی قدری متردد شدند و گمان کردند که من با برادران خود بطرفداری امان الله خان خدمت میکنم... اما با آنهمه اصرار من اهالی سمت جنوبی باظهار من متردد بودند [و] مطمئن نشدند چه من مجبور بودم که اعلان پادشاهی خود را بدون اعتراف و تصویب تمام اهالی افغانستان رد کنم. «(10)

(ادامه دارد)

#### یادداشت ها و مأخذ:

۱. اسناد آرشیف هند بریتانوی، تلگرام شماره ۲۶۷ مؤرخ ۲ مارچ ۱۹۲۹ سفیر کابل از پشاور به وزارت خارجه انگلستان.
۲. اسناد آرشیف هند بریتانوی، تلگرام شماره ۱۰۲۲ مؤرخ ۸ مارچ ۱۹۲۹ به کمشنر عمومی ایالت سرحدی شمال غربی.
۳. اسناد آرشیف هند بریتانوی، تلگرام شماره ۱۰۵۴ مؤرخ ۱۲ مارچ ۱۹۲۹ کمشنر عمومی ایالت سرحدی شمال غربی.
۴. اسناد آرشیف هند بریتانوی، تلگرام شماره ۵۹۹ مؤرخ ۶ مارچ ۱۹۲۹ کمشنر عمومی ایالت سرحدی شمال غربی.
۵. اسناد آرشیف هند بریتانوی، یادداشت شماره ۲۱۸ مؤرخ ۹ مارچ ۱۹۲۹ مکوناچی پولیتیکل ایجنت کرم به کمشنر عمومی ایالت سرحدی شمال غربی در پشاور.
۶. اسناد آرشیف هند بریتانوی، یادداشت مکوناچی پولیتیکل ایجنت کرم در رابطه با تبصره های سردار نادرخان، شاه ولی خان و شاه محمود خان در دوران بازدید از کرم ۶ تا ۸ مارچ ۱۹۲۹. L/P&S/10/1301.
۷. اسناد آرشیف هند بریتانوی، تلگرام شماره ۶۴۸ مؤرخ ۱۴ مارچ ۱۹۲۹ کمشنر عمومی ایالت سرحدی شمال غربی.
۸. اسناد آرشیف هند بریتانوی، تلگرام شماره ۲۸۳ مؤرخ ۲۵ مارچ ۱۹۲۹ سفیر انگلیس به وزیر امور خارجه در لندن.
۹. اسناد آرشیف هند بریتانوی، تلگرام شماره ۲۱/۸۱۹ سی مؤرخ ۳ سپتمبر ۱۹۲۹ پولیتیکل ایجنت پاراچنار به حکومت ایالت سرحدی شمال غربی. L/P&S/10/1301.
۱۰. عیناً نطق اعلیحضرت محمد نادرشاه غازی به تقریب افتتاح اولین مجلس عالی (شورای ملی) افغانستان، یوم دوشنبه ۱۴ سرطان ۱۳۱۰ ش (مطابق با ۶ جولای ۱۹۳۱ میلادی)، صفحات ۷ و ۸.

د پانو شمیره: له 4 تر 4

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیولو مخکي په خیر و لولئ